

صوتی کمتر شنیده شده از سه اسطوره دفاع مقدس حین عملیات



شناسه خبر : ۱۴۰۹۶۰ دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۴:۱۰

شنیدن صدای فرماندهان جنگ برای اولین بار آن هم در بحبوحه انجام عملیات، می تواند جالب و شنیدنی باشد. اسطوره های شهیدی که طی این سال ها بیشتر نامشان را شنیده ایم.

به گزارش موج خبر، شنیدن صدای فرماندهان جنگ تحمیلی برای اولین بار آن هم در بحبوحه انجام عملیات، می تواند جالب و شنیدنی باشد. اسطوره های شهیدی که طی این سال ها بیشتر نامشان را شنیده ایم و حالا به صدایشان گوش می دهیم که در شرایط سخت چطور با ایمان و قلبی مطمئن در وسط میدان آتش با دشمن می جنگیدند.

در ادامه می توانید بشنوید صوت مکالمه بیسیم شهید رضا چراغی با شهید زجاجی و شهید همت در حین عملیات والفجر 1 که در 22 فروردین سال 1362 در لشکر 27 محمدرسول الله (ص) ضبط شده است.

شهید رضا چراغی از فرماندهان لشکر 27 بود که چند روز پس از این صحبت، در 27 فروردین به شهادت رسید.

شهید ابراهیم همت ماجرای شهادت او را روایت میکند: آن شب رضا پیش ما ماند و دو سه ساعتی خوابید. اذان صبح روز 27 فروردین که بیدار شد، بعد از خواندن نماز، دیدم شلوار نظامی نویی که در ساکاش داشت، از آن درآورد و پوشید. با تعجب پرسیدم «آقا رضا هیچ وقت شلوار نو نمی پوشیدی، چی شده؟» با لب‌هایی خندان به من گفت «با اجازه شما می‌خواهم بروم خط مقدم» گفتم «احتیاجی نیست بری این جلو. همین جا بیشتر به شما نیاز داریم». ناراحت شد. به من گفت «حاجی جان می‌خوام برم جلو وضعیت فعلی خط رو بررسی کنم الان اونجا بچه‌های لشکر خیلی تحت فشار هستن».

در همین اثنا از طریق بی‌سیم مرکز پیام خبر رسید که لشکر یک مکانیزه سپاه چهارم بعثی‌ها، پاتک سختی را روی خط دفاعی بچه‌های ما انجام داده.

رضا رفت جلو چند ساعت بعد خبر دادند فرمانده لشکر 27 محمد رسول‌الله (ص) در خط مقدم دارد با خمپاره شصت، کماندوهای بعثی را می‌زند؛ همین خبر نشان می‌داد وضعیت آنجا برای بچه‌های ما تا چه حد وخیم شده؛ گوشی بی‌سیم را برداشتم و شروع کردم به صدا زدن برادر چراغی؛ مدام می‌گفتم «رضا، رضا همت... رضا همت» ناگهان یک نفر از آن سر خط گفت «حاجی جان دیگر رضا را صدا نزنید، رضا رفته موقعیت کربلا!» و من فهمیدم رضا شهید شده.

انتهای پیام/

انتهای پیام/